

دریابانوی تیاتر ایران

حسین زرین‌فر

بیش از یکی دو ماه از درگذشت زنده‌یاد هنرمند شایسته دکتر مصطفی اسکویی نگذشته بود که باز غمی سنگین و دردناک و بزرگ دامن هنر تیاتر معاصر ایران را گرفت و در نوشته‌های پیش از درگذشت نوشته بودند «درنای تنهای تیاتر ما» و بعد از فوت که ماهی بیش نبود، گفتند «مادر بچه‌های تیاتر ایران درگذشت» راستی مادری و هنرمندی شایسته و بجا بود ای کاش همه‌ی مادران ایران خسته و نالان چنین بودند، آگاه، با دانش و چون بانوی تیاتر ایران نویسنده، مترجم، کارگردان، بازیگر، مدرس باوفا و از همه مهم‌تر انسانی مهربان که با جوهر استعداد و با فضیلت «اخلاق حرفه‌ای» در هم آمیخت و به‌آفرینش رساند. او در یابی از کار هنری حرفه‌ای‌اش بود. تحصیلات تیاتری را سال‌ها در خارج از ایران یعنی تیاتر مسکو و سیستم استانیلاویسکی خواند و آموذ و در اوایل جوانی با زنده‌یاد اسکویی زوج اندیشمند و کم‌نظیری را تشکیل داده بودند و یار و رفیق هنری و شغلی همدیگر بودند. آنها در بدو کار تیاتر از استاد مبارز و هنرمند عبدالحسین نوشین تجربه‌ها و آموزه‌ها آموختند و به‌دست آوردند و دوش به‌دوش یک‌دیگر کار تیاتر را ادامه دادند و در سختی‌ها، شکست‌ها و خوشی‌ها و موفقیت‌ها بی‌بدیل بودند، دشمنان نابکار و بی‌هنران تنگ‌نظر همیشه برای آنها کارشکنی می‌کردند و به‌قول معروف چوب لای چرخشان می‌گذاشتند. آنها امیدشان به مردم و به‌علم راستین حرفه‌ای‌شان و پشتکار واقعی که داشتند بود و دوستان و شاگردان و همکاران فرهیخته و هنرمند یار و یاورشان بودند، زنده‌یاد دریا بانو یعنی مهین طالقانی در سال ۱۳۰۸ خورشیدی در خانواده‌ای اهل هنر زاده شد، که مشهور به‌مهین اسکویی بود و فامیلی شوهر هنرمندش مصطفی اسکویی را داشت و شهرت کم‌نظیری در عالم تیاتر نظری و

علمی سیستم استانیلاویسکی را خوانده و آشنا بود و در فروتنی و اخلاق با مبانی حرفه‌ای بالید و به شکوه پرواز رسید (نگاهی کنیم گذرا به کارنامه‌ی خلاق مهین طی نیم سده تلاش خستگی‌ناپذیر اما رنج‌بار او:

اجرای بیش از چهل نقش متفاوت در نمایشنامه‌های مشهوری مانند روسپی بزرگوار، اتللو، خانه‌ی عروسک، تراموایی به نام هوس و طبقه‌ی ششم و کارگردانی نزدیک به هفتمین رقم از آثار برجسته‌ی نویسندگانی نظیر شکسپیر، چخوف، گلدونی، سروانتس، آستروفسکی، ایسن و گورکی. برگردان بیش از ۱۵ نمایشنامه و بیش از ده‌ها مقاله و مطلب فنی و تئوریک از جمله کتاب «آخرین درس بازیگری» و مهم‌تر از همه برگردان سه کتاب معتبر و جاودانه و پامیرای (از مجموعه) استانیلاویسکی که مدون‌ترین اصل پایه‌ای آموزشی هنر تیاتر از زمان تالیف و نشر آن‌ها تا امروز در شرق و غرب جهان است.) یادآور می‌شوم که بانو روح‌بخش خواننده‌ی مشهور خاله‌ی مهین بود و همچنین زنده‌یاد پوران خواننده هنرمند معاصر خواهر او بود ناگفته نماند زنده‌یاد هنرمند فرزانه مهدی فتحی که یکی از شاگردان اسکویی‌ها بود و در شناخت و تشخیص تیاتر علمی آگاه و فعال و مبارز بود، تا آخرین حیات زندگی همکار صادق و باوفا برایشان باقی ماند، یادش گرامی و زنده باد. اگر اشتباه نکرده باشم من بانو را از اوایل دهه‌ی چهل که جهت نمایش «اتللو» به شهر اصفهان آمده بودند و با گروه هنری تیاتر «آناهیتا» که خود و همسر هنرمندش پایه‌گذار آن تیاتر بودند در تماشاخانه‌ی سپاهان اجرا داشتند، شناختم و آشنا شدم، در خاتمه این راهم بنویسم، بزرگ‌ترین مشکل تیاتر کشور برخورد نکردن جدی مسوولان با تیاتر است به‌طورکلی مقوله‌ی تیاتر، جدی گرفته نمی‌شود، و سرانجام همگی دل‌سوخته با چشمانی اشکبار در سوگ دریا بانو، گوهر کم‌نظیر تیاتر ایران می‌نشینیم و چون او همیشه پیام‌آور مهر و صفا و تبادل اندیشه و تفاهم باشیم، گوهر بانو شما مورد احترام و عزت ملت ایران به‌ویژه اهل هنر نمایش هستید، مطمئن باشید!

تذکر این نکته بسیار ضروری، به‌جا و شایسته است. خانواده‌های تیاتر، شاگردان و دوستان و آشنایان آن زوج هنرمند و گرانمایه یادنامه‌ای از اجراها، نمایشنامه‌ها و دیگر تالیفات هنری چون نشریه‌ها و... را کتابت کنند تا برای عموم یادگاری و برای تاریخ نمایش ثبت و باقی بماند. پیروز و سلامت باشید.